



علی مزروعی خبرنگار گروه سیاست

ایران چه قبل از جنگ ۱۲ روزه و چه بعد از آن باب هیچ‌گونه مذاکراتی را نبسته و آن را بخشی از استراتژی دفاعی خود برای مهار رویکرد تقابلی غرب می‌داند. اما مذاکراتی مورد نظر ایران است که تعبیر درستی از آن وجود داشته باشد. تعبیر طرف غربی که از ایران می‌خواهد مجموعه‌ای از شروط تحمیلی را در پرونده هسته‌ای و نظامی خود پذیرفته و در ازای آن بدون هیچ‌گونه تضمینی در انتظار رفع تحریم بنشیند بر خلاف نام‌گذاری ترامپ، مذاکره خوانده نمی‌شود.

علی لاریجانی که این روزها با هدف توسعه هرچه بیشتر دیپلماسی ایران در پاکستان به سر می‌برد روز گذشته با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس تعبیر درست و مورد تأکید ایران از مذاکره را این‌گونه بیان کرد: «ما مذاکرات واقعی را می‌پذیریم، نه مذاکرات مصنوعی و نتیجه هر مذاکره نباید از پیش تعیین شده باشد.» دبیر شورای عالی امنیت ملی به عبارت رئیس‌جمهور آمریکا که در جلسه چندروز پیشش با بن‌سلمان نیز تکرار شده طی آن ادعا شده بود به دلیل بمباران تأسیسات هسته‌ای، ایران به‌دنبال‌تعال‌با آمریکا است این‌گونه واکنش نشان داد که: «آمریکایی‌ها سعی می‌کنند خود را نقطه عطف هر تحول جهانی نشان دهند، اما این نوعی فریب خود است.» هم‌زمان با تأکید دبیر ششورای عالی امنیت ملی بر مذاکره‌پذیر بودن ایران، وزارت خارجه فرانسه ادعا کرده است که عراقچی برای دیدار با وزیر خارجه فرانسه در پاریس حضور دارد. از سوی دیگر روزنامه الاخبار ادعا کرده است که بن‌سلمان از سوی ترامپ به عنوان طرف میناجی برای مذاکره با ایران انتخاب شده که اگر این موضوع صحت داشته باشد حذف طرف اروپایی از میدان دیپلماسی با ایران نیز بیشتر نمایان می‌شود. حتی بدون تأیید این خبر نیز ایران پیش از این به طرف اروپایی همدار داده بود که با فاعل‌سازی اسنپ‌ک خود را از ایفای نقش در مورد پرونده هسته‌ای ایران به طور کامل حذف می‌کند. این موضع به‌ویژه پس از اقدام کشورهای اروپایی در تصویب یک قطعنامه ضدایرانی دیگر در شورای حکام آژانس تشدید شده است. اکنون اروپا که توسط ترامپ از پرونده اوکراین بیرون رانده شده، مواضعش در مورد ایران نیز فاقد اثر تلقی می‌شود.

کی بود گفت نزنید؟

طرف آمریکایی تا کنون سعی داشته است تا ضمن تشدید اقدامات تقابلی، ایران را مقصر هرگونه شکستی در مذاکرات نشان دهد. ایران اما هر بار این طراحی را به شکست کشانده است. جنگ ۱۲ روزه در حالی خردامه‌ها به ایران تحمیل شد که ایران و آمریکا در حال برنامه‌ریزی برای دور ششم مذاکرات غیر مستقیم بودند. اسنپ‌ک نیز در حالی توسط تروپیکای اروپایی فعال شد که ایران شرط طرف مقابل مبنی بر توافق با آژانس برای بازگشت بازرسان را اجرایی کرده و طی توافق قاهره چهارچوب تعامل با این نهاد را مشخص کرده بود. شرط دوم طرف اروپایی یعنی بازگشت به میز مذاکره با آمریکا نیز توسط ایران پذیرفته شد و با هوشمندی در آن قید شد که هرگونه مذاکراتی با طرف آمریکایی در چهارچوب ۱+۵ خواهد بود. علی‌رغم توافق بر سر این موضوع اسنبو و ینکاف نماینده آمریکا در جلسه‌ای که قرار بود با حضور سیدعباس عراقچی و نمایندگان ۱+۵ در نیویورک برگزار شود حضور نیافت و در ادامه نیز شروط قابل پذیرش همچون کاهش برد موشکی به زیر ۵۰۰ کیلومتر و توقف کامل غنی‌سازی پیش روی ایران قرار داده شد. اینکه طرف غربی هر بار یک گام جلوتر آمده و شروط تحمیلی جدیدی را طرح می‌کرد باعث شد تا ایران به طور قاطع‌تر بر موضع خود تأکید کرده و هر بار اعلام کند که قاتل به مذاکره است اما شرایط تحمیلی را نمی‌پذیرد.

هوشمندی ایران در مهار بازی مقصر‌سازی باعث شده است تا آمریکا برای بازگشت



سایه روشن بنزین ۵۰۰۰ تومانی

احد بنار

مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه اقتصادی و اجتماعی

همان‌طور که در یادداشت قبلی‌ام اشاره شد، اقتصاد ایران همواره با چالش همیشگی در خصوص تصمیم‌گیری در مورد قیمت بنزین مواجه بوده است. همواره یکی از چالش‌برانگیزترین و حساس‌ترین تصمیمات اقتصادی در کشور همین امر بوده است. اجرای سیستم س‌ن‌رخی جدید از آذر ۱۴۰۳، با هدف کدش‌سازی یارانه‌ها و مدیریت مصرف، نتها بر هزینه خانوار، بلکه بر تورم، بودجه دولت و ساختار صنعتی کشور تأثیر خواهد گذاشت. در این نوشتار سعی کرده‌ام تا به‌طور مختصر و با واکاوی ابعاد مختلف این سیاست، پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن را برای اقتصاد ایران تحلیل کنم. تأثیر این تصمیم بر اقتصاد ایران در دو بازه کوتاه و بلندمدت به شرح ذیل متصور است:

(الف) تأثیرات کوتاه‌مدت (بازه زمانی ۶ تا ۱۲ ماه آینده)

در فاز نخست، اثرات این سیاست به‌سرعت و عمدتاً به‌صورت توری‌م و فشار بر دهک‌های درآمدی پایین خود را نشان خواهد داد. موارد اصلی که در این زمینه مورد تصور است، عبارتند از:

- تشدید نرخ تورم:**

توزیع نقدینگی جدید به اقتصاد از کانال افزایش قیمت یک کالای اساسی، یک اثر زنجیره‌ای و توری‌می ایجاد می‌کند. بنزین به‌عنوان یک نهاده پایه، هزینه حمل‌ونقل تمام کالاهارا افزایش می‌دهد. بر اساس تجربه افزایش قیمت‌بنزین در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، انتظار می‌رود این تصمیم بین ۴ تا ۵ درصد به نرخ تورم نقطه‌نقطه در ماه‌های اول پس از اجرا بیفزاید. این افزایش هزینه‌ها، به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی (توزیع محصولات) و صنایع (توزیع مواد اولیه و کالاهای نهایی) کاملاً محسوس خواهد بود و قدرت خرید خانوارها را به‌ویژه در طبقات متوسط و کم‌درآمد کاهش می‌دهد.

سفر وزیر خارجه به پاریس نشان داد ایران راه دیپلماسی را نبسته اما زیر بار مذاکرهٔ تحمیلی و غیرواقعی نمی‌رود

دیپلماسی آری؛ مذاکرهٔ تصنعی نه

بسه مذاکره تلاش کند؛ اما تراسپ می‌خواهد تمایل خود برای مذاکره را به ایران نسبت داده و با مرتبط کردن این موضوع به بمباران تأسیسات هسته‌ای برای خود دستاوردسازی کند. دست نکشیدن ایران از مذاکره اما ربطی به این موضوع ندارد؛

چرا که ایران راهبرد خود برای پیشبرد مذاکرات هدفمند را تغییر نداده و هم‌زمان در مقابل پذیرش شروط تحمیلی نیز ایستادگی کرده است. دیپلماسی پذیر بودن ایران اصلی است که در مقابل همه کشورهای غربی و شرقی به کار گرفته شده و همین امر نیز باعث شد تا در جنگ ۱۲ روزه فهم عمومی جامعه ایران این باشد که آمریکا ورژیم صهیونیستی تصمیم گرفته‌اند وارد میدان زورآزمایی با ایران شوند. در نهایت پذیرش توقف آتش‌بس توسط ترامپ و نتانیاهو که در ابتدای جنگ مدعی براندازی و نابودی ایران بودند اثبات کرد که راه مهار طرف مقابل از کانال مقاومت می‌گذرد.
تحمیل آتش‌بس به ترامپ و همچنین طرح شرط کاهش برد موشک‌ها به زیر ۵۰۰ کیلومتر دلایل کافی برای اثبات این موضوع است که بر خلاف رویکرد تبلیغاتی ترامپ، این کاخ سفید است که با چشیدن ضرب‌شخصت تهران به مذاکره بازگشته و نتایجی را که در جنگ به دست نیاورده در بازی سیاسی مطالبه می‌کند.
محمدباقر قالیباف رئیس مجلس این التماس طرف آمریکایی برای مذاکره را این‌گونه روایت می‌کند: «شرایط به گونه‌ای شد که آقای وینکاف پیام آقای ونس را به صورت مکتوب برای آقای عراقچی فرستاد که حاضر هر کجا با شما ملاقات کنم تا جنگ متوقف شود.»

پاسخ به معادلات جدید ریاضی

روزنامه «الخبار» به نقل از یک منبع غربی ادعا کرده است که ولعبد سعودی، محمد بن‌سلمان از رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ اختیار مدیریت گفت‌وگو برای میناجی گری میان ایران و ایالات متحده را دریافت کرده است؛ گفت‌وگویی که هدف آن دستیابی به توافقی میان دو طرف و حل نقاط اختلاف مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و مسئله تحریم‌ها علیه تهران است.
الخبار همچنین مدعی شده است محمد بن‌سلمان در دیدار با رئیس‌جمهور ایالات متحله تأکید کرده که رسیدن به یک تفاهم گسترده با ایران، کلید حفظ ثبات بلندمدت در منطقه خاورمیانه است. او هم‌زمان نسبت به احتمال کارشکنی کابینه بنیامین نتانیاهو ابراز نگرانی کرده و گفته ممکن است تل آویو با آغاز دور جدیدی از تنش نظامی علیه تهران، این روند را به خطر بیندازد.
بنابر ادعای دیگر این روزنامه مستقر در بیروت پس از بازگشت هیئت‌سعودی از واشنگتن، ریاض بلافاصله با تهران تماس گرفته و دو طرف توافق کرده‌اند که در کمتر از ۴۸ ساعت آینده، نشست‌ی در سطح بسیار بالا بین مقامات ارشد عربستان و ایران در پاریس برگزار شود.
قرار است پس از این نشست، عربستان نقش میناجی‌ابین آمریکا و ایران بر عهده‌بگیرد و تماس‌های متعددی را تنظیم کند.
درصورت صحت این ادعاها،ای روزنامه الاخبار – که البته با توجه به اظهارات اخیر ترامپ و بن‌سلمان در مورد تلاش برای مذاکره با ایران می‌توان آن را محتمل دانست – می‌شود این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که ایران بار دیگر به طرف اروپایی فرمانده است که بروکسل نقشی در پرونده هسته‌ای نخواهد داشت و تهران کانال‌های دیگری را برای دیپلماسی باز می‌کند.
الخبار همچنین ادعا کرده است بن‌سلمان در تازه‌ترین دیدارش با علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در ریاض، نظر تهران درباره طرح پیشنهادی عربستان برای نزدیکی با واشنگتن را جویا شده بود.
لاریجانی در پاسخ صراحتاً اعلام کرده که ایران پس از درگیری مستقیم نظامی با اسرائیل و آمریکاقصد واگذاری هیچ امتیازی را ندارد.
تأکید بر عدم دادن امتیازهایی که آمریکا در میدان نظامی نتوانسته به دست بیاورد، موضع ثابتی بوده که پیش از این هم علی لاریجانی و هم سیدعباس عراقچی در آن تأکید کرده بودند و همچنان نیز تهران بر آن اصرار دارد. با وجود این تأکیدها تشکیل هرگونه میزی برای مذاکره به این معنی است که طرف غربی چاره‌ای جز حذف پیش شرط‌های تحمیلی از روی میز ندارد.

دیپلماسی با چشمان باز

ادعای اینکه هرگونه میز مذاکراتی ممکن است یک فریب برای گیرانداختن ایران در تله جنگ باشد با توجه به تجربه جنگ ۱۲ روزه امر قابل اعتنایی است؛ اما واضح است که پس از جنگ کسی نمی‌تواند ایران را متهم به عدم هوشیاری و گرفتار شدن در تله طراحی شده کند.
ایران در جنگ نیز در حالی که ترامپ مدام تهدید به حمله نظامی می‌کرد پای میز مذاکره نشسته و حقوق خود از جمله حق غنی‌سازی را مورد تأکید قرار می‌داد.
نشستن پای میز مذاکره منافاتی با هوشیاری در مورد تحركات میدانی نداشته و جنگ ۱۲ روزه نیز این هشاری را بیشتر کرده است.
در عین حال میز مذاکره ضمن اینکه باعث اتهام‌زنی را بسته، همبستگی بیشتری نیز برای مهار هرگونه راهبرد تقابلی جدید ایجاد می‌کند.
اگر بنای طرف آمریکایی فریب ایران باشد باید درس گذشته خود را به یادبیاورد که این تله بیشتر از هرکسی دامن‌گیر طرف متخاصم شده و شکست طراحی‌ها برای ایجاد اعتراضات و آشوب را تضمین می‌کند.

سفر وزیر خارجه به پاریس نشان داد ایران راه دیپلماسی را نبسته اما زیر بار مذاکرهٔ تحمیلی و غیرواقعی نمی‌رود

علی لاریجانی در سفر هم‌زمان با رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان به پاکستان بر توسعهٔ همکاری‌های منطقه‌ای و دوجانبه تأکید کرد

موازنه‌سازی اسلام‌آباد



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

تحولات امنیتی در آن‌سوی مرزهای جنوب شرق ایران جریان دارد. هم‌زمان با سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان هم روز گذشته به پاکستان عزیمت کرد. ریاض در دهه‌های اخیر نقش بسیار فعالی در پاکستان داشته و حتی پاکستان‌ها توسعه هسته‌ای خود را مدیون کمک‌های مالی و نفتی ریاض می‌دانند. حضور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان در اسلام‌آباد هم در واقع مکمل توافق امنیتی‌ای بود که شهزاد شریف و محمد بن‌سلمان، در ریاض امضا کردند.

با این حال بر خلاف تصویرسازی‌های هدفمند، پاکستان روابطش با ایران را هم در مدار تقویت قرار داده و به دنبال موازنه‌سازی همه‌جانبه میان قدرت‌هاست. اسلام‌آباد به‌جای انتخاب یک بلوک، هم‌زمان در حال برقراری اتصالات امنیتی و سیاسی با طرف‌های مختلف است. در نتیجه همین روند در طول ماه‌های پس از جنگ دوازده روزه، اسلام‌آباد میزبان سفرهای مقامات عالی‌رتبه ایران از جمله رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و حالا دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است.

لاریجانی در سفر روز شنبه خود به اسلام‌آباد ضمن گفت‌وگو با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، فرمانده ارتش، رئیس مجلس، مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه پاکستان، به آن‌ها اعلام کرد که «هیچ محدودیتی برای همکاری قابل نیستیم». مقامات پاکستان هم با استقبال ویژه از دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، بر «تداوم گفت‌وگوهای منظم» و «تقویت اشتراکات امنیتی» توافق کردند.

سنگین‌ترین پیمان امنیتی

تاریخ روابط افغانستان و پاکستان

در سه دهه گذشته، عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین پشتیبانان پاکستان بوده؛ حمایتی که در مقاطع حساس از جمله زمان تحریم‌های پس از آزمایش هسته‌ای ۱۹۹۸ به‌وضوح دیده شد و طبق گزارش «اکنونیست»، ریاض روزانه «۵۰ هزار بشکه نفت رایگان» به اسلام‌آباد می‌داد. از سوی دیگر، یکی از عوامل هسته‌ای شدن پاکستان، عربستان بود. از دهه ۱۹۶۰ کمک‌های مالی مستقیم و غیر مستقیم ریاض به اسلام‌آباد امکان داد هزینه‌های داخلی را مدیریت کرده و منابع لازم برای پیشبرد برنامه هسته‌ای‌اش را آزاد کند. از شهر یورماه و یاسفر شهزاد شریف و فرمانده ارتش پاکستان به ریاض و امضای توافق دفاعی جدید، این رابطه عمیق‌تر شده است و حالا پاکستان در چهارچوب سیاست جدید امنیتی‌اش، عربستان را شریک راهبردی بلندمدت می‌بیند. روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۴، پاکستان و عربستان سعودی یک پیمان دفاع متقابل راهبردی امضا کردند. این قرارداد در شرایطی نهایی شد که جهان عرب هنوز تحت تأثیر حمله ورژیم صهیونیستی به فقر قرار داشت و بسیاری آن را پاسخی به همین تحولات دانستند. اگرچه مقامات ریاض تأکید کردند که این پیمان نتیجه روندی طولانی از همکاری‌های امنیتی دو کشور بوده و ارتباط مستقیمی با بحران‌های اخیر ندارد، اما مشخص است که تحولات جدید روند امضا را سرعت بخشیدند.

روابط امنیتی پاکستان و عربستان تا رگی ندارد و مسابقه آن به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. طی این شش دهه، ارتش پاکستان در مقاطع مختلف، نقش مهمی در امنیت داخلی عربستان داشته است. در کنار این همکاری‌ها، عربستان نیز یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان مالی و خریداران تجهیزات نظامی پاکستان بوده و پیوند دفاعی دو کشور به‌تدریج به یک شراکت راهبردی تبدیل شده است. تشکیل «اتلاف نظامی اسلامی ضد تروریسم» در سال ۲۰۱۵ اوج این همکاری‌ها بود.

پیمان جدید از نظر سیاسی و امنیتی، سنگین‌ترین چهارچوب رسمی میان دو کشور تاکنون محسوب می‌شود. مهم‌ترین بخش این توافق جمله‌ای است که اعلام می‌کند «هر گونه تجاوز به یکی از دو کشور، تجاوز به هر دو محسوب می‌شود.» همین بند، پیمان را در نگاه بسیاری به یک نسخه منطقه‌ای از ناتو شبیه کرده است. البته متن کامل قرارداد منتشر نشده و سؤالات زیادی در باره سطح تعهدات نظامی، نوع پاسخ مخقابل و حتی احتمال وارد شدن سلاح هسته‌ای پاکستان به این معادله ایجاد کرده است. با وجود سکوت اسلام‌آباد درباره «چتر هسته‌ای»، برخی تحلیلگران معتقدند حتی بدون تعهد صریح، ظرفیت هسته‌ای پاکستان یک بازدارندگی ضمنی برای عربستان ایجاد می‌کند.

ناتوی منطقه‌ای؛ تهدید یا فرصت؟

برای عربستان نیز پیمان راهبردی جدید معنای مهمی دارد. عدم حمایت عملی

علی لاریجانی در سفر هم‌زمان با رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان به پاکستان بر توسعهٔ همکاری‌های منطقه‌ای و دوجانبه تأکید کرد

موازنه‌سازی اسلام‌آباد

آمریسکا از قطر در حمله اخیر، نگاه ریاض به امنیت منطقه‌ای را تغییر داده و این کشور برای کاهش وابستگی به واشنگتن در پی ساختن یک چتر امنیتی جایگزین است. همکاری با کشوری مجهز به توان هسته‌ای، می‌تواند از این بابت خیال ریاض را تا حدی راحت کند.

واکنش‌های بیرونی به این پیمان دو حالت داشت. برخی از آن استقبال کردند و چنانچه اشساره شد، نزدیکی دو کشور را به مثابه پایه‌گذاری ناتوی منطقه‌ای تحلیل کردند و آن را به‌عنوان طراحی معماری امنیتی جدید در منطقه دانستند. برخی دیگر اما دیدگاه مثبتی به این توافق نداشتند و همکاری نظامی عربستان و پاکستان را تهدید جدیدی برای کل منطقه دانستند.

در ادامه توافق دفاعی مهمی که پاکستان و عربستان در شهریور امسال امضا کردند، «فیاض بن حامد الرویلی»، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان به اسلام‌آباد رفت؛ سفری که عملاً مرحله بعدی در تعمیق روابط امنیتی دو کشور محسوب می‌شود. الرویلی در اسلام‌آباد با شهزاد شریف دیدار کرد و دو طرف بر گسترش «همکاری‌های دفاعی»، رزمایش‌های مشترک، آموزش و تبادل تجربیات نظامی تأکید کردند. شهزاد شریف این همکاری را «تزلزل‌ناپذیر» توصیف کرد و گفت پاکستان آماده است روابط با عربستان را در «همه حوزه‌ها» از امنیتی و نظامی گرفته تا اقتصادی، ارتقا دهد.

الرویلی همچنین با ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان دیدار کرد. بیانیه ارتش پاکستان نشان می‌دهد محور اصلی گفت‌وگو، تقویت شراکت نظامی «بلندمدت و راهبردی» بوده است. دو طرف تأکید کردند که همکاری دفاعی، امنیتی و «مبارزه مشترک با تروریسم» ستون‌های اصلی رابطه اسلام‌آباد – ریاض است.

حذف همه موانع روابط ایران و پاکستان

روابط ایران و پاکستان هم‌ریشه‌دار است، اما در دولت‌های محمود احمدی‌نژادو سیدابراهیم رئیسی، این روابط تقویت‌شدو پس از فراز و نشیب‌های دیپلماتیک، تا امروز توانسته بر قوت خود باقی بماند. در دوره کنونی مسعود پزشکیان و محمدباقر قالیباف سفرهایی به اسلام‌آباد داشته‌اند. در آخرین مورد، علی لاریجانی به پاکستان رفت و در دیدار با مقامات عالی‌رتبه این کشور اعلام کرد دولت ایران تصمیم گرفته «تمام محدودیت‌های اقتصادی» میان دو کشور را بردارد و ششورای عالی امنیت ملی نیز برای اجرای این تصمیم، «هر مانع باقی‌مانده» را رفع خواهد کرد.

لاریجانی در دیدار با نخست‌وزیر، فرمانده ارتش، رئیس مجلس، مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه پاکستان تأکید کرد که تهران هیچ محدودیتی برای همکاری با اسلام‌آباد قائل نیست؛ اما این همکاری نیاز مند تحرک و تصمیم‌گیری عملی است؛ به همین دلیل، دو طرف توافق کردند سازوکارهای مشخصی برای پیگیری و تسریع تعاملات ایجاد شود.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سفر، دیدار لاریجانی در مقر فرماندهی کل ارتش پاکستان با «فیلمدارشال عاصم منیر» و فرمانده ارتش پاکستان بود. در این دیدسار دو طرف درباره همکاری‌های دوجانبه، تحولات امنیتی منطقه و راه‌های تقویت تعاملات تهران – اسلام‌آباد گفت‌وگو کردند. لاریجانی با اشاره به جایگاه مهم پاکستان در معادلات امنیتی منطقه گفت همکاری ایران و پاکستان در مقابله با تهدیدات مشترک می‌تواند به شکل مستقیم بر ثبات منطقه اثر بگذارد. عاصم منیر نیز با ارزیابی مثبت از همکاری‌های گذشته، بر تعهد پاکستان به صلح منطقه و ضرورت ارتقای روابط راهبردی با ایران تأکید کرد.

کارت سفید تهران در اختیار اسلام‌آباد

افغانستان و پاکستان در ماه‌های اخیر دچار تنش‌هایی شده‌اند که برای حل و فصل آن‌ها مذاکراتی در استانبول ترکیه برگزار شد؛ اما به نتیجه‌ای نرسید. با این حال رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که «ایران» ماه آینده میزبان «نشستی منطقه‌ای» برای کاهش تنش میان پاکستان و افغانستان خواهد بود. نشستنی با حضور همسایگان افغانستان و بازیگران کلیدی منطقه که هدف آن تقویت سازوکارهای مشترک و حمایت عملی از ثبات کابل است. ابتکار میانجیگری ایران میان دو کشور منطقه‌ای برای اولین بار است که مطرح می‌شود و می‌تواند تصویر ایران در افکار عمومی بین‌المللی را ارتقا دهد. در همین راستا، علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگویی با خبرنگار پاکستانی تأکید کرد که ایران آماده است «کارت سفید» در اختیار پاکستان قرار دهد؛ یعنی حداکثر همراهی و انعطاف برای کمک به حل اختلافات اسلام‌آباد با افغانستان و حتی با هند. لاریجانی گفته است پاکستان برای ابرانی‌ها «عزیز و شریف» است تهران هر زمان که اسلام‌آباد نیاز داشته باشد، آماده است از این کارت استفاده شود.

۴. چالش صنایع انرژی‌بر:

در بلندمدت، صنایعی که هزینه حمل‌ونقل سهم‌بالایی در قیمت تمام‌شده آنان دارد (مانند صنایع کشاورزی، کالاهای فلزی‌ای...)، ممکن است با کاهش حاشیه سود مواجه شوند. این امر می‌تواند به‌تدریج باعث تغییر در مکان‌یابی صنایع (نزدیک‌تر به مراکز مصرف) یا افزایش بهیروزی در لجستیک و زنجیره تأمین شود.

جمع‌بندی و راهکارهای پیشنهادی

تغییر نرخ بنزین یک امر ضروری اما دارای چالش و هزینه برای اقتصاد ایران است. در کوتاه‌مدت، تورم و فشار معیشتی مهم‌ترین تهدید است، در حالی که در بلندمدت مزایای آن را قالب اصلاح الگوی مصرف و بهبود بودجه دولت ظاهر می‌شود.

برای به‌حداقل رساندن تبعات منفی و حداکثر کردن منافع بلندمدت، دولت

- یاد اقدامات ذیل را انجام دهد.

۱. **شفافیت در هزینه‌کرد درآمدها:** درآمدها حاصل از این طرح باید به‌طور شفاف صرف توسعه حمل‌ونقل عمومی، پرداخت بازانه هافمند به افشار آسیب‌پذیر و بهبود کیفیت خودروهای داخلی شود.

۲. **تقویت و گسترش شبکه حمایتی:** تقویت و گسترش شبکه حمل‌ونقل عمومی در کلان‌شهرها و شهرهای کوچک، پیش از اعمال کامل این سیاست، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

۳. **مقابله با فساد و رانت:** راه‌اندازی «سلمانه ملی پایش کارت‌های سوخت» که در مصوبه به آن اشاره شده، باید با جدیت پیگیری شود تا از ایجاد رانت جدید در تخصیص سهمیه‌ها و کارت‌های اضطراری جلوگیری کند. در نهایت، موفقیت این سیاست نه در افزایش قیمت که در مدیریت عواید آن و ارائه جایگزین‌های مناسب به جامعه است. تنها در این صورت است که می‌توان این تصمیم دشوار را به فرصتی برای گذار اقتصاد ایران از وابستگی به نفت و مصرف بی‌رویه تبدیل کرد.